

توضیحات:

- دبیری فرهنگ و هنر - هنرآموز گرافیک
- ویژه آزمون آموزش و پرورش
- خلاصه شده در ۱۶ صفحه
- حیطة تخصصی

جزوه خلاصه راهنمای تدریس

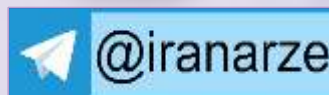
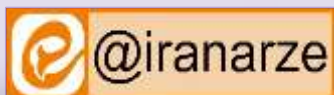
مبانی هنرهای تجسمی دوره متوسطه

دقت فرمایید که این سوالات از منابع اعلامی آموزش و پرورش نبوده و صرفاً به علت مشابهت با منبع اعلام شده، ارائه شده است.

برای دانلود رایگان جدیدترین سوالات استخدامی دبیر فرهنگ و هنر، اینجا بزنید

برای دانلود رایگان جدیدترین سوالات استخدامی هنرآموز گرافیک، اینجا بزنید

«انتشار یا استفاده غیر تجاری از این فایل، بدون حذف لوگوی ایران عرضه مجاز می باشد»



جزوه خلاصه راهنمای تدریس مبانی هنرهای تجسمی متوسطه

مقدمه:

تدریس از مهم ترین وظایف هنرآموزان است و از این طریق کوشش برنامه ریزان درسی و کارشناسان و مسئولین آموزشی به نتیجه می رسد. با توجه به تنوع شرایط آموزشی و توانمندی های هنر آموزان در مراحل آموزش (تدریس و ارزشیابی) از روشهای مختلفی استفاده میشود.

درس مبانی هنرهای تجسمی در واقع واحد اصلی و پایه در رشته های گروه هنر است و اهمیت خاصی در فهم ساختار هنر دارد. همچنین در ایجاد خلاقیت هنری بسیار موثر است. نقش هنرآموز در تدریس و نحوه ارائه آن بسیار مهم و تأثیرگذار است. هنرآموز این درس باید علاوه بر داشتن تسلط در مهارتهای معلمی، توانایی های لازم را در پایه و اصول هنرهای تجسمی داشته باشد و حداقل مدرک تخصصی مورد نیاز، لیسانس یکی از رشته های هنر است. البته علاقه مندی و هنرمند بودن معلم در کیفیت آموزش و تربیت هنرجویان موفق تأثیر مستقیم دارد.

هدف از راهنمای این کتاب آن است که راهکارها و اطلاعاتی را ارائه نماید تا هنرآموزان درس مبانی هنرهای تجسمی بتوانند با استفاده از آن تدریس موفق تری داشته باشند و آموزش مناسبی را ارائه نمایند. به همین منظور این کتاب، اطلاعاتی را درباره اهداف، رویکردها و استانداردهای آموزشی، روش تدریس و ارزشیابی به هنرآموزان ارائه می کند. در بخش های گوناگون کتاب، متناسب با موضوع درس مطالبی ارائه شده است که می تواند برای یادآوری برخی پیش دانسته های مورد نیاز به هنرآموز کمک کند. همچنین در این کتاب منابع علمی مرتبط با موضوع درس و مهارت های مورد نیاز برای تدریس و ارزشیابی معرفی شده است که توصیه می شود هنرآموزان محترم با تهیه آنها دانسته های خود را افزایش دهند و مهارتهایشان را تقویت نمایند. در پایان یادآور می شویم که در تهیه ساختار الگوی تدریس از راهنمایی هنرآموزان خبره درس مبانی هنرهای تجسمی نیز استفاده شده است.

اهمیت موضوع درس: اصلی / پایه:

می دانیم با تولد و ورود انیمیشن، گرافیک متحرک، تیتراژها، کمیک استریپ و... تغییراتی در دانش هنرهای تجسمی ایجاد شده است. البته پرداختن به این تغییرات و آموزش آنها به زمان اجرای برنامه درس ملی موکول گردید، تا علاوه بر برنامه ریزی و به روز رسانی رشته ها و محتوای آنها، قبل از چاپ کتاب های جدید، آموزش هنرآموزان نیز انجام پذیرفته باشد.

چند نکته حائز اهمیت را تعریف و آنها را یادآوری می نماییم: هر اثری به صورت پتانسیل و نهفته، که در اطراف هنرمند انتظار تبدیل شدن به یک اثر هنری را داشته باشد یک «بزار» محسوب می شود که می تواند از اثر تنفس روی شیشه سرد برای طراحی باشد تا بر روی مواد و مصالح با مارک های ویژه علامت گانف. بنابراین تعریف، انتظار می رود در کلاس های مبانی هنرهای تجسمی فقط به آشنایی با وسایل نقاشی و گرافیک و کاربرد آنها (راپید و کاغذ...) پرداخته نشود و برای رسیدن هنرجویان به مفاهیم، به تمهیداتی که در هر طرح درس آمده است، مثل نقاشی با انگشت یا دیزاین بازیافت مواد و... توجه شود. نکته دیگر مربوط به « دیزاین » است. وقتی لغت دیزاین به گوش شما می رسد، از آنچه برداشتی دارید ؟

در فرهنگ لغت معنای لغوی دیزاین، (Plan) و در فارسی به نقشه سازمان یافته معنا شده است. « دیزاین » لبریز از اصول و قواعد هنر در گونه های نقاشی، طراحی، مجسمه سازی، عکاسی و رسانه هایی است، که مبنای زمانی دارند (فیلم، ویدئو، گرافیک رایانه ای و انیمیشن). البته در صنایع دستی (سرامیک، بافت و شیشه) هم جامعیت دارد. معماری طراحی داخلی و طراحی محیطی و حتی موسیقی که هنرهای تجریدی هستند از اصول و قواعد هنرهای تجسمی پیروی می کنند. بنابراین تقریباً تمامی آثار دو بعدی و سه بعدی از اصول قواعد دیزاین پیروی می کنند. در حقیقت دیزاین یک ضرورت است و یک اتفاق نیست.

بخش اول : کلیات

از شایستگی های هنرآموز، علاوه بر دارا بودن دانش به روز و مرتبط، آگاهی داشتن از مهارت‌های تدریس و به کار بستن آنها در فرآیند یادگیری است. مهارت های هنرآموز را می توان مهارت های پیش از تدریس، ضمن تدریس و پس از تدریس دسته بندی کرد، به طوری که هر یک، پیش نیاز دیگری خواهد بود. آشنایی با تعاریف، آثار و موانع یادگیری و روش های ایجاد انگیزه برای هنرآموز در این مرحله ضروری است. هنرآموز، پیش از تدریس به تحلیل در بخش محتوایی، ابزاری و روشی می پردازد و در پایان دوره با ارزشیابی، میزان یادگیری فرآیند عملیات تدریس را می سنجد و به تأثیر گذاری هدف آموزشی خویش واقف می گردد.

حال که احیای جامعه انسانی در سایه تعلیم و تربیت است، آشنایی با روش تعلیم و تربیت و فناوری (تکنولوژی) آموزشی بسیار ضرورت دارد. تجربه ثابت کرده است که امور هدفدار و روشمند همواره نسبت به اموری که بدون برنامه ریزی و طراحی مقدماتی و پایانی، صورت می گیرند، موفقیت آمیز ترند و در زمان کوتاه تری به نتیجه مطلوب می رسند.

۱-۱- محتوا، ابزار و روش

روش تدریس، براساس خلاقیت و نوآوری هنرآموز، شکل می گیرد و جنبه کاربردی دارد. از جمله موارد مهم در امر تدریس «تحلیل آموزش» است. به این معنا که هنرآموز پیش از آغاز سال تحصیلی باید در سه نکته مهم و اساسی زیر تمرکز پیدا کند و مطابق آنها برنامه ریزی نماید:

الف) تحلیل محتوای متن آموزشی و تنظیم و دسته بندی مطالب براساس محتوا و زمان

ب) تحلیل ابزار کمک آموزشی با توجه به امکانات موجود و هماهنگی با محتوای موردنظر

ج) تحلیل روش تدریس با توجه به شناخت سطح مخاطب، زمان تعیین شده و محتوای آموزشی. محتوای آموزشی، مفاهیم، واژگان، روش ها و اصول را شامل می شود که برای رسیدن به هدف های آموزشی هر دوره در مرحله طراحی برنامه درسی یا فرآیند تدریس برگزیده می شود.

برخی از این کلاس های گزینش محتوا می تواند موارد زیر باشد:

ارتباط با هدف غایی و کلی و پوشش دادن به آن ها تناسب با علم و پیشرفت های جدید

اعتبار و روائی کافی

تناسب با ارزش های اجتماعی

تناسب با ویژگی های دانش آموز مخاطب - تناسب با زمان آموزش.

در سازماندهی محتوای آموزشی باید موارد زیر رعایت شود:

توالی، تداوم، وسعت، تعادل، ارتباط افقی و عمودی با آموزش و برنامه ریزی آن از مجموعه این عملیات در علوم تربیتی و فنون تدریس با عنوان «مهارت های پیش از تدریس» یاد می شود. هنر آموز با بررسی محتوا و ابزار کمک آموزشی موجود و مناسب با محتوا و انتخاب روش تدریس متناسب با محتوا و ابزار موجود می تواند سال تحصیلی را با اعتماد و اطمینان کامل آغاز کند و از ابتدای دوره آموزش به رفع نواقص آن بپردازد.

در مورد تحلیل محتوایی باید به دو نکته اساسی توجه شود:

۱- بررسی محتوای متن آموزشی و تنظیم مطالب براساس تقدم و تأخر و سختی و آسانی مفاهیم.

۲- زمان بندی منطقی با توجه به محتوای مذکور (با در نظر گرفتن تعطیلی های رسمی) و هماهنگی با برنامه های کلان در سیستم آموزشی آموزشگاه

۱-۱-۱- اهداف آموزشی:

هنرآموز باید پیش از ورود به عرصه تدریس و آموزش، اهداف خود را مشخص کند و با برنامه ریزی صحیح و دقیق مشغول تدریس شود. از این رو، ابتدا باید با اهداف آموزشی آشنایی کامل داشته باشد، سپس، آنها را تعیین کند. اهداف آموزشی را می توان به سه دسته تقسیم نمود:

- هدف کلی - اهداف جزئی یا مرحله ای - اهداف رفتاری

این هدف قابل اندازه گیری نیست و بسیار کلی است و عبارت است از این که هنرجو کلیه معلومات و توانایی هایی را که در آغاز دوره آموزش فاقد آنها بوده، در پایان آموزش فراگرفته باشد.

برای نوشتن اهداف کلی از فعل‌هایی نظیر آشنا شود، درک کند و بداند استفاده می‌شود. البته هدف‌های کلی اکثر افعال ندارند و با واژه‌هایی مثل توانایی، آشنایی و شناخت شروع می‌شوند. در کتاب هدف کلی در صفحات نخستین در کادری مشخص لحاظ شده است.

هدف کلی: شناخت عناصر بصری (نقطه، خط، سطح، حجم، فرم، بافت، رنگ، تیرگی و روشنی) و توان به کارگیری کیفیت بصری و روابط آنها (تعادل، تناسب، هماهنگی و ریتم) در ترکیب بندی و خلق آثار هنرهای تجسمی

هدفهای جزئی: پله‌هایی است که هنرجو باید پشت سرگذارد تا به یادگیری موردنظر برسد. به عبارت دیگر مسیرها و مواردی هستند که برای رسیدن به هدف کلی آموزش پیش نیاز تلقی می‌شوند.

برنامه ریزان، هدف کلی را به چندین هدف کوچکتر به نام هدفهای جزئی تبدیل می‌کنند. هدف‌های جزئی یک موضوع کوچک را پوشش می‌دهند و حالت نسبی دارند و تبدیل آنها به سطح‌های کلی و جزئی دیگر نیز امکان پذیر است.

● مثال از اهداف جزئی کتاب:

- آشنایی با مشاهده کردن، دیدن و نگاه کردن،
- کاربرد مواد مختلف در ایجاد بافت‌های گوناگون
- آشنایی با مفاهیم مربوط به کنتراست‌ها و توانایی اجرای آنها.

هدفهای رفتاری:

رفتارها، حرکات و آثاری هستند که قابل مشاهده، شنیدن و لمس کردن اند و می‌توان آن‌ها را سنجید. در واقع تغییراتی که هنرآموز انتظار دارد قبل از شروع هر درس جدید و یا پس از پایان آموزش در رفتار هنرجو مشاهده نماید.

هدف‌های رفتاری نشان دهنده کارهایی است که هنرجو با انجام آن‌ها میزان یادگیری از موضوع را اعلام می‌نماید. هدف‌های رفتاری خصوصیات مانند فعل رفتاری، شرایط انجام عمل و معیار پذیر بودن را باید داشته باشد. هدف رفتاری از کتاب، توضیح دادن تناسب و اهمیت آن (ص ۶۰ - فصل ۴ کتاب).

اهداف آموزشی در شاخه فنی و حرفه‌ای بر اساس توانایی‌های مورد نیاز حرفه، به صورت رفتاری نوشته می‌شوند. برخی فرایندها مراحل انجام کار و برخی دیگر خود محصول نهایی (اثر هنری) را نشان می‌دهند.

هدفهای فرایندی به هدف‌هایی اطلاق می‌شود که بیانگر چگونگی کوشش و تلاش یادگیرنده است و هدف‌های فرآورده‌ای در بردارنده نتایج یادگیری است. در فنی و حرفه‌ای هدف‌ها باید براساس و پایه فرآورده‌ها یا آثار هنری برنامه ریزی شوند.

مهارت پیش از تدریس:

تدریس، روش عملی هنرآموز، اعم از کیفیت بیان درس و برنامه‌های جانبی همچون درخواست تحقیق‌های فردی و گروهی، ارزیابی روزانه و ارزیابی هفتگی است. خلاقیت و نوآوری هنرآموز در این بخش بسیار موثر است و ضرورت دارد طرح و برنامه درسی عملی خود را به صورت منظم و پیوسته انجام دهد، به گونه‌ای که شخصیت وی در ذهن هنرجو تأثیر گذار شود.

- طبقه بندی اهداف آموزشی

اهداف رفتاری براساس روش بلوم (Blom) در ابتدای هر فصل آمده است. در رده بندی بلوم، اهداف آموزشی به سه حیطه زیر تقسیم می‌شوند:

۱- شناختی

۲- عاطفی

۳- روانی - حرکتی

حیطه شناختی: هدف‌های رفتاری حیطه شناختی به فرایندهایی چون دانستن، شناختن، فهمیدن، اندیشیدن، استدلال کردن و ارزشیابی کردن مربوط می‌شود. حیطه شناختی با هدف‌های بازنمایی دانش و رشد توانایی‌ها و مهارت‌های ذهنی ارتباط دارد و از رفتارهای ساده شروع و به پیچیده ختم می‌شود و شش طبقه دارد.

مثال سطح به ترتیب

۱ - دانش: انواع سطح را نام ببرد.

۲ - فهمیدن: مفهوم حجم را شرح دهد.

۳ - کاربرد چند نمونه تعادل بصری را در کادر، به کار بگیرد.

۴ - تحلیل: نمود و اثرات متقابل رنگ را ارزیابی کند.

۵ ترکیب: موقعیتهای خط را در صفحه اجرا کند.

۶ ارزشیابی: مفاهیم عناصر را در یک اثر تاریخی نقد نماید.

حیطه عاطفی:

نگرش، باور، علاقه، حالت و ارزش ها در حوزه اثر گذاری حیطه عاطفی هستند در پنج سطح

۱- دریافت: آماده شدن هنرجو برای دریافت مطلب (یادگیری) (توجه کنید)

۲- واکنش: عکس العمل نشان دادن هنرجو، وقتی چیزی را می بیند، فعالانه پاسخ دادن

۳- ارزش گذاری: برخی ارزش ها را تشخیص دادن و برخی دیگر را برتر دانستن

۴- سازمان بندی: ایجاد یک نظام ارزشی

۵ - درونی سازی: تثبیت ارزش ها برای مدت طولانی و ایجاد یک باور شخصی.

حیطه روانی حرکتی: داشتن حرکات و اعمال ماهرانه بدنی، نظیر نوشتن، دیدن، تایپ کردن، ورزش کردن و...

سطوح آن (طبقات اصلی حیطه روانی حرکتی) عبارت اند از:

۱- تقلید، مشاهده، مهارت و تقلید از آن مثال: انواع سطح را طبق نمونه های کتاب انجام دهد.

۲- اجرای مستقل: انجام دادن عملی بدون کمک گرفتن از دیگران.

تدریس چیست؟

«تدریس عبارت است از تعامل یا رفتار متقابل هنرآموز و شاگرد، براساس طراحی منظم و هدفدار هنرآموز، برای ایجاد تغییر در رفتار شاگرد. تدریس، مفاهیم مختلف مانند نگرش

ها، گرایش ها، باورها، عاداتها و شیوه های رفتار و به طور کلی انواع تغییراتی را که می خواهیم در شاگردان ایجاد کنیم، در برمی گیرد.

چهار ویژگی ویژه در تعریف تدریس وجود دارد که عبارت اند از:

الف) وجود تعامل میان هنرآموزان و هنرجویان

ب) فعالیت بر اساس اهداف معین و از پیش تعیین شده

ج) طراحی منظم با توجه به موقعیت و امکانات

د) ایجاد فرصت و تسهیل یادگیری.

دیدگاههای مختلف تدریس:

- نگاه توصیفی: یعنی انتقال دانش و اطلاعات از سوی هنرآموز به هنرجویان.

- نگاه موفقیتی: هر تدریس نتیجه اش یادگیری است. تدریس عامل موفقیت است.

- نگاه ارادی: نگاهی رفتارگرایانه است. هنرآموز گامهای آموزش را مشخص میکند.

- نگاه هنجاری: در این نوع نگاه، همه چیز دید ارزشی دارند. برای مثال، چه چیزی را باید به هنرجویان آموزش دهیم؟ از چه روش استفاده کنیم؟

نگاه علمی: در این نوع نگاه، مفهوم تدریس، منظم و روشن و دقیق بیان میشود و تدریس یعنی مجموعه فعالیت های منظم و هدفداری که منجر به تغییر یا یادگیری هنرجو شود.

شیوه های تدریس:

الگوی تدریس - الگوی عمومی تدریس

الگوی تدریس :

یک الگوی تدریس، چهارچوب ویژه ای است که عناصر مهم تدریس در درون آن قابل مطالعه است. تدریس یک فرایند است و فعالیتی است که در داخل یک الگو صورت می پذیرد. الگوهای تدریس متعددی توسط صاحب نظران معرفی شده اند که به مهم ترین آن ها اشاره خواهیم کرد.

الگوی عمومی تدریس:

فرآیند تدریس به پنج مرحله تقسیم می شود:

- ۱- تعیین هدف های تدریس و هدف های رفتاری: هنرآموز باید هدف های تدریس خود را به صورتی عینی و قابل اندازه گیری تعریف و مشخص کند.
- ۲- تعیین رفتار ورودی و ارزشیابی تشخیصی: اصطلاح رفتار ورودی در اینجا نمادی از کلیه یادگیری های گذشته فراگیران، توانایی های عقلی، وضع انگیزشی و برخی عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر در یادگیری و میزان رشد آنان است.
- ۳- تعیین شیوه ها و وسایل تدریس: در این مرحله هنرآموز با آگاهی از شرایط و موقعیت آموزشی یکی از روشها و وسایل تدریس را نیز با توجه به مفاهیم و شرایط و ویژگیهای فراگیران برگزیند.

۴- سازماندهی شرایط و موقعیت آموزشی: هنرآموز باید قادر باشد که با ابتکار و خلاقیت، حداکثر استفاده را از امکانات موجود، در امر تدریس و تحقق اهداف آموزشی ببرد.

۵ - ارزشیابی و سنجش عملکرد: هنرآموز در این مرحله علاوه بر ارزشیابی های معمولی می تواند عملکرد شاگردان را در موقعیت های متعدد، مانند انجام دادن پروژه، شرکت در فعالیتهای آموزشی و... ارزیابی کند و در صورت راضی نبودن از بازخورد و نتایج ارزشیابی به اصلاح مراحل قبلی الگو اقدام کند.

روش تدریس: هنرآموز بعد از انتخاب محتوا و قبل از تعیین وسیله، باید خط مشی و روش مناسب تدریس خود را انتخاب کند. به مجموعه تدابیر منظمی که برای رسیدن به هدف، با توجه به شرایط و امکانات، اتخاذ می شود «روش تدریس» گویند.

انواع روش های تدریس:

حفظ و تکرار / سخنرانی / پرسش و پاسخ نمایشی ایفای نقش بحث گروهی / آزمایشی / گردش علمی / آزمایش و خطا و....

۱-۲ - ۱ - مهمترین روشهای آموزش هنر: صفحه ۱۵

روش تدریس مبتنی بر خلاقیت:

امروزه خلاقیت به مثابه یکی از توانمندیهای عالی ذهنی مورد توجه قرار می گیرد. روان شناسان، به ویژه در حوزه آموزش و پرورش برای گسترش دامنه بررسی خلاقیت های بارز و نهفته زحمات زیادی را متحمل شده اند. با این همه، آنچه در زمینه خلاقیت ارائه شده، بیشتر در برگرفته شیوه های پرورش خلاقیت است و کمتر به این امر که چگونه می توان مبتنی بر خلاقیت عمل کرد، پرداخته شده است. در روش تدریس مبتنی بر خلاقیت، تلاش بر این است که شیوه خلاقانه عمل کردن از سوی هنرآموز و هنرجو باز نموده شود. هنرآموز باید با استفاده از کتاب حاضر به گونه ای تدریس کند که بتوان با شاخص های اعلام شده، آن را خلاقانه نامید. هنرجو هم باید بهره گیری از راه های خلاقانه را فرا بگیرد. بیشترین توجه به خلاقیت از حدود نیمه دوم قرن بیستم آغاز شده است.

از خلاقیت تعاریف متعددی شده است، از جمله:

۱- خلاقیت، سیالات، انعطاف پذیری و اصلیت (بکر بودن) را شامل است.

۲ خلاقیت در هم آمیختگی عناصری متناسب و جدا از هم است که به منظور سودآوری انجام می گیرد.

۳- خلاقیت انجام دادن کاری نو است که از سوی گروه ها یا افرادی مورد توجه قرار می گیرد، یا از آن برای برآوردن نیاز یا نیازهایی استفاده می شود.

یکی از شرط های روشن یا نسبتاً روشن خلاقیت آن است که چیزی را که یادگیرنده ارائه می دهد یا هنرآموز مطرح می کند باید ثمره کار خود، متعلق به خود و برآمده از اندیشه خود باشد. از این رو، هنرجویی که فقط از قواعد « هنر آموز گفته » بهره می گیرد و تمرین می کند کار خلاق و اثر خلاق ارائه نمی دهد و هنرآموزی را که صرفاً به طور صریح مایه کار خود را تقلید هنرآموزان پیشین قرار می دهد خلاق نمی نامیم.

شرط دیگر خلاقیت را می توان « اصالت کار » دانست.

اصالت کار به معنی گشودن راه های جدید برای حل مسائل یا بررسی رخدادهای یا یادگیری واقعیت ها، مفاهیم، اصول و... است.

از شرط های دیگر خلاقیت و اثر خلاقانه، هدفداری آن است. منظور از این گفته آن است که هر فرد خلاق، اثری را که می آفریند باید برای هدفی خاص باشد. فضای عاطفی، شرایط فیزیکی، جو یادگیری، میزان انگیزه برای آموختن و... از عوامل درون کلاسی هستند که در ایجاد خلاقیت اثر می گذارند.

در میان عوامل یاد شده، نقش هنرآموز در پرورش خلاقیت انکارناپذیر است. اثر تعاملی هنرآموز در کلاس از دو جنبه رابطه عاطفی با هنرجویان و رابطه آموزشی با یاددهی قابل ملاحظه است.

رابطه عاطفی با هنرجو و رابطه آموزشی و یاددهی:

ایجاد شرایط مساعد برای رشد خلاقیت مستلزم این است که هنرآموز جوی صمیمانه و مطمئن در کلاس درس ایجاد کند. به طوری که هنرجو بتواند با احساس امنیت، عقاید و نظرات خویش را ابراز دارد.

موارد هشت گانه ای که در این مسیر برای هنرآموزان بیشترین ارزش را دارند عبارت اند از:

۱- رعایت دیگران

۲- استقلال فکری

۳- سخت کوشی

۴- شوخ طبعی

۵- کنجکاوی

۶- صمیمیت

۷- به هنگام کار را انجام دادن

۸- دانش (دانستن)

اصول روش تدریس مبتنی بر خلاقیت:

ارائه مسئله:

منظور از ارائه مسئله، تعیین وظیفه ای است که باید انجام شود. گردآوری اطلاعات و واقعیت‌های مربوط به یک مسئله و تحلیل آن، شما را در تعریف و روشن سازی آن نیز، کمک خواهد کرد.

راه حل یابی:

هنرآموز باید سعی کند تا هنرجو راه حل های متفاوتی را برای حل مسئله پیشنهاد دهد. به هنرجویان بگوییم راه حل های مورد نظرشان را، آن گونه که به ذهنشان می رسد، در دفترچه خود یادداشت کنند، تا امکان قضاوت درباره آنها وجود داشته باشد.

گزینش و کاربست:

از هنرجویان بخواهیم به دفتر یا برگه کار خود مراجعه کنند و راه حل های نوشته شده را بررسی و غربال نمایند تا آن که راه مطلوب حل مسئله روشن شود. پس از گزینش راه حل مناسب باید آن را به کار بست. هر هنرجو می تواند ایده یا راه حلی که مطلوب می انگارد انتخاب کند.

ارزشیابی:

با ارزشیابی عملیات، دو گونه تصمیم می‌توانیم بگیریم: یا عملیات را مطلوب می‌انگاریم یا آنها را نامطلوب می‌دانیم. برابر تصمیم اتخاذ شده، فعالیت‌هایی هم صورت می‌گیرد. یکی از فعالیت‌ها متوقف کردن عملیات است و دیگری پیگیری فعالیتها و اصلاح فرایند کار است. با توجه به محدود بودن زمان کلاس‌های درس، مطلوب است ارزشیابی از فرایند و مجموعه‌ها به عهده هنرآموز باشد.

روش نمایشی:

این روش بر مشاهده و دیدن استوار است. افراد مهارت‌های خاصی را از طریق دیدن فرا می‌گیرند. مهم‌ترین حسن این روش، به کارگیری اشیای حقیقی و واقعی در آموزش است و بیشتر برای درس‌هایی که جنبه عملی و فنی دارند کاربرد دارد.

مراحل اجرای روش نمایشی:

مرحله آمادگی: هنرآموز باید هدف از تدریس را دقیقاً مشخص کند و امکانات لازم را از قبل فراهم نماید و از سالم بودن آن ابزار اطمینان حاصل کند.

مرحله توضیح: هنرآموز قبل از اجرای تدریس، باید اهداف تعیین شده را برای شاگردان به وضوح بیان کند، نحوه و علت انجام دادن عمل را توضیح دهد و سوالاتی را که انتظار دارد شاگردان در پایان تدریس، پاسخ دهند مطرح کند. در این صورت، توجه شاگردان بیشتر جلب می‌شود.

مرحله نمایشی: هنرآموز باید روش صحیح کار و مراحل آن را به نمایش بگذارد و برای مثال فرایند کار یک رایید و استفاده صحیح از آن را عملاً به هنرجویان توضیح و نشان دهد.

مرحله آزمایش و سنجش: بعد از اجرای مراحل بالا، هنرآموز باید از هنرجویان بازخورد دریافت کند تا متوجه شود که آنان موضوع را فهمیده‌اند یا نه (مهارت لازم را کسب کرده‌اند یا نه؟) و در صورت بروز مشکل، هنرآموز نقایص را برطرف نماید. هنرآموز با پرسش‌های کتبی یا شفاهی می‌تواند به این موضوع دست یابد.

محاسن و محدودیتهای روش نمایشی:

از محاسن روش نمایشی این است که می‌توان در آن از به کارگیری اشیای حقیقی و واقعی نام برد. اما با توجه به این که فراگیران نمی‌توانند از راه تجربه مستقیم و از راه عمل و تمرین و تکرار همزمان، مهارت لازم را کسب کنند، یادگیری از کیفیت چندان مطلوبی برخوردار نخواهد بود.

• روش بحث گروهی:

روش بحث گروهی، گفت و گویی است سنجیده و منظم درباره موضوعی خاص که مورد علاقه مشترک شرکت‌کنندگان در بحث است و به هنرجو فرصت می‌دهد تا نظرها، عقاید و تجربیات خود را با دیگران در میان بگذارند و اندیشه‌های خود را با دلایل مستند بیان کنند. در این روش، هنرجویان بیش از استفاده از کتاب یا از هنرآموز، خود علاقه‌مند به یافتن نتایج، اصول و راه‌حل‌ها هستند، به خصوص موضوعاتی که بتوان درباره آن‌ها نظرات مختلف و متفاوت ارائه داد و فراگیران درباره آن‌ها، اطلاعات لازم را داشته باشند یا بتوانند کسب کنند.

همچنین موضوعات مورد علاقه مشترک شرکت‌کنندگان در بحث باشد. البته هنرآموز باید درباره موضوعاتی که هنرجویان کمتر به آن علاقه‌مندند به نوعی در آنان ایجاد علاقه کند و حساسیت به وجود آورد، مثلاً با طرح سوال، پخش یک فیلم و اجرای مطلوب روش بحث گروهی شدیداً به شخصیت هنرآموز و درجه خون‌گرمی او بستگی دارد. هنرآموزی که از این روش استفاده می‌کند باید قدرت تصمیم‌گیری داشته باشد و طوری بحث را هدایت کند که موضوع به بیراهه کشیده نشود، از جمله: ایجاد علاقه و آگاهی مشترک در زمینه خاص و ایجاد و پرورش تفکر انتقادی، ایجاد توانایی اظهار نظر در جمع، تقویت توانایی انتقادپذیری، ایجاد و تقویت توانایی مدیریت و رهبری در گروه، تقویت قدرت بیان و استدلال، تقویت قدرت تجزیه و تحلیل و تصمیم‌گیری، آشنایی با روش کسب اطلاعات و حل مسائل و ایجاد رابطه مطلوب اجتماعی. اینها همگی شرایطی هستند که در روش بحث گروهی ایجاد می‌شوند و در کار هنرآموز مستقیماً تأثیر می‌گذارند.

مرحله اجرای روش بحث گروهی

مرحله آمادگی و برنامه ریزی:

۱- انتخاب موضوع: موضوعات و عناوین روش بحث گروهی و ارتباط آنها با هدف، باید در قالب کلمات و جملات صریح و روشن بیان شود.

۲- فراهم کردن زمینه های مشترک: قبل از شروع بحث گروهی، لازم است سطح اطلاعات هنرجو درباره موضوع یکسان شود.

۳- تعیین نحوه آرایش شبکه های ارتباطی: ترتیب قرار گرفتن و نشستن فراگیران، به گونه ای که ذیلا آمده، در نوع ارتباط موثر است. رهبر گروه، شاگردان، شخص مهمان، ناظر یا ارزیاب.

مرحله روش اجرای بحث گروهی

وظایف هنر آموز:

الف (فراهم کردن امکانات، ب) شرکت در بحث: هنرآموز موظف است در شروع بحث، تحت عنوان مقدمه، ضوابط بحث گروهی را شرح دهد و باید نقش خود را در جریان بحث تا حد یک شنونده کاهش دهد، ج) کنترل و هدایت بحث.

وظایف شاگردان:

شاگردان باید درباره موضوع از قبل مطالعه کنند، وسط حرف دیگران نپرند، با یکدیگر صحبت نکنند، کاملاً به صحبت های دیگران گوش کنند و انتظار نداشته باشند که نظرشان الزاماً پذیرفته شود.

محاسن روش بحث گروهی:

الف (محاسن: سهیم شدن در عقاید و تجربیات یکدیگر (هنرجو) - تقویت حس همکاری و احساس دوستی - ارزیابی افراد از خود - تقویت اعتماد به نفس و پرورش روحیه نقادی - تقویت قدرت مدیریت و رهبری فراگیران - تقویت قوه استدلال و اندیشه و نظم بخشی به افکار.

مرحله اجرای روش الگوی مسئله:

طرح مسئله یا بازنمایی مشکل: مسئله را می توان با توجه به خصوصیات فراگیران (نظیر سن، میزان تحصیلات، رشد ذهنی و عاطفی، ویژگی های فرهنگی، شرایط اجتماعی و اقتصادی و...) از راه های مختلف در ذهن هنرجویان ایجاد کرد. جمع آوری اطلاعات: منابع گردآوری اطلاعات باید از نظر علمی معتبر باشند و اطلاعات جمع آوری شده باید با توجه به معیارهای صحیح و علمی طبقه بندی شوند.

ساختن فرضیه: منظور از فرضیه سازی، پیش بینی راه حل های احتمالی و حدسی برای حل مسئله است. هنرجو برای ساختن فرضیه ناگزیر است به تفکر بپردازد و برای حل مسئله چندین راه را برگزیند.

آزمایش فرضیه: فرضیه، حدسی است که براساس اطلاعات پیشین و شواهد موجود، در برخورد با دنیای خارج، در ذهن شاگرد شکل می گیرد.

نتیجه گیری، تعمیم و کاربرد: فرایند حل مسئله، باید به نتیجه منتهی شود. بدون نتیجه گیری مسئله حل نخواهد شد.

روش فعال :

مطلوب ترین روش تدریس روش فعال است که بر پایه اصول یادگیری پایه گذاری شده است. در این روش می توان وضعیت کلامی را که مورد نظر ماست در سه اصل یادگیری ذیل که بهتر است آنها را سه اصل آموزش نیز بنامیم خلاصه نمود.

۱ - یادگیری فعال: بهترین راه یادگیری هر چیز کشف آن چیز به وسیله هنرجو است. این اصل مبنای روش سقراطی (پرسش و پاسخ با هدف شناساندن مرز دانشی مخاطب) است و به اندازه خود یادگیری قدمت دارد.

۲ - بهترین انگیزه: برای آن که یادگیری موثر و فعال باشد هنرجو باید در مواردی که به وی یاد داده میشود علاقه مند باشد و از فعالیت یادگیری خشنود باشد و این در صورتی تحقق می یابد که برای یادگیری انگیزه داشته باشد. یک هنرجوی تحریک شده و با انگیزه مطالب را از کسی که فاقد انگیزه است سهل تر فرا می گیرد. تحریکات ممکن است شامل آرزوی یادگیری، احتیاج به نقش داشتن، آرزوی داشتن مدرکی به خصوص و یا پرهیز از تنبیه باشد. البته یادگیری تحت تحریکات ذاتی بر یادگیری تحت تحریکات خارجی برتری دارد.

۳- مراحل متوالی آموزش: یادگیری با عمل، خیال و گمان شروع می شود، سپس به کلمات و مفاهیم می انجامد و باید به صورت عادات ذهنی مورد نظر خاتمه یابد.

۲-۱- ارزشیابی

مبحث پابانی تکنولوژی آموزشی «ارزشیابی» است. ارزشیابی به معنای جمع آوری اطلاعات به منظور اخذ تصمیمات مناسب است. گاه ارزشیابی از سوی هنرآموز و در طول دوره آموزشی صورت می گیرد تا به هنرجو در امر یادگیری کمک کند و گاه زمان آن از سوی موسسه آموزشی تعیین می شود تا تصمیمات مناسب جهت ارتقای تحصیلی هنرجو صورت گیرد و جایگاه او در جدول امتیازات، مشخص شود. ارزشیابی فوائد گوناگون دارد که برخی را ذکر می کنیم:

الف) ایجاد انگیزه برای هنرجو جهت تسریع یادگیری در ابتدای آموزش

ب) تشویق هنرجویان به یادگیری و ایجاد رقابت سالم علمی

ج) آگاهی بخشی به هنرجو، که خود را ارزیابی کند

د) آگاهی بخشی به فرادهنده (هنرآموز) تا نقاط قوت و ضعف خود را در تدریس بیابد

هـ) اصلاح فعالیت های غیر صحیح در یادگیری.

بنابراین، با ارزشیابی است که هم هنرجو و هم هنرآموز سنجش می شوند و می توانند به اصلاح خود بپردازند. البته ارزشیابی باید متناسب با اهداف آموزشی صورت گیرد تا در سایه هماهنگی این دو، تصمیمات لازم برای هنرجو گرفته شود.

انواع ارزشیابی: قبل از دوره آموزشی، ارزشیابی صورت می گیرد تا آموزش های جدیدی متناسب با دانسته های قبلی هنرجو طراحی و تنظیم شود. این آزمون را «ارزیابی تشخیصی» می نامند و تعیین کننده «رفتار ورودی» هنرجوست. گاه ارزشیابی در مراحل گوناگون یک دوره آموزشی صورت می گیرد. امتحان هفتگی میان ترم و حتی سوالات ابتدای هر جلسه، که مربوط به درس جلسه قبل است، از این گروه هستند. این نوع ارزشیابی به «ارزیابی مرحله ای» معروف است. آنچه در تمام موسسات آموزشی از اهمیت بالایی برخوردار است.

«ارزیابی» مجموعه ای است که در پایان هر دوره، مانند ترم و پایان ثلث، صورت می پذیرد و سرنوشت تحصیلی هنرجو با امتیاز آن رقم می خورد. دو نوع اخیر، ارزیابی تعیین کننده «رفتار خروجی» هنرجوست و میزان یادگیری او را در دوره آموزشی مورد نظر نشان می دهد.

۱-۲-۱- روشهای ارزشیابی:

به طور کلی روش های ارزیابی را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف) کتبی (نوشتاری)، بیشتر ارزیابی ها با این روش است.

آزمونهای کتبی نیز به دو شیوه تشریحی و تستی (عینی) برگزار می شوند. در شیوه اول گاهی پاسخ ها به صورت محدود است و گاه وسیع و گسترده، یعنی هنرآموز به صورت تحلیلی پاسخ می طلبد.

ارزیابی تستی نیز به چهار شکل صحیح غلط، چند گزینه ای، جور کردنی و کامل کردنی صورت می گیرد.

ب) شفاهی (گفتاری)، که محدود به مواقع خاص است. گاهی پس از آزمون کتبی، جهت کسب اطلاعات بیشتر آزمون شفاهی صورت می گیرد. مانند: مصاحبه های بعد از آزمون کتبی که در برخی موسسات وجود دارد و گاهی اصل متن آموزشی با صلاحدید هنرآموز به صورت شفاهی آزموده می شود تا قدرت تحلیل و بررسی و عمق دریافت هنرجو برای هنر آموز ثابت گردد.

ج) عملی، که به متنهای خاصی مربوط می شود. در مواردی که سنجش افراد به کاربرد برخی وسایل و یا به عمل آوردن یک پدیده تجربی منوط است، از امتحان عملی استفاده می شود. توجه به امکانات موجود در یک موسسه آموزشی از نکات مهم در این نوع آزمون است.

تنوع رفتاری هنرآموز و تغییر آهنگ صدا

در موارد خاص و توجه به سوالات هنرجویان و پاسخ گویی به آنها در قالب همین روش توضیحی و درون متنی، باعث می شود که از یک نواختی کلاس بکاهد.

۳-۱- زمان بندی تدریس و طراحی فرایند تدریس

به منظور نظم بخشیدن به فعالیت های معلم در طول سال، نیم سال، ماه، هفته یا جلسه آموزشی، تدریس باید زمان بندی شود. بودجه بندی زمانی و محتوایی در هر برنامه درسی توسط برنامه ریزان آموزشی پیشنهاد می شود. اما هنرآموزانی که شرایط خاص (مراکز ناشنویان یا...) در اجرا دارند می توانند بنا بر شرایط خودشان بودجه بندی زمانی و محتوایی داشته باشند. در کل باید تعطیلات سالانه و همین طور تعطیلات پیش بینی نشده را، که به زمان بندی تدریس سالانه خسارت وارد می کند، در نظر گرفت و محتوا را بودجه بندی کرد.

برنامه درسی سالانه برای هنرآموز: هنرآموز در نخستین روز از دوره آموزشی با نوشتن کلیات مباحث روی تابلو و اشاره های کلامی برخی از جزئیات را ارائه می دهد. در واقع، او قبل از حضور در کلاس باید مطالب را متناسب با زمان بندی خاص تنظیم کند و به موقع آنها را ارائه دهد. این عمل، افق روشنی از انتهای این دوره آموزشی را برای هنرجویان مشخص می کند و آنها می توانند، مطابق با این طراحی سالانه، برای خود برنامه ریزی کنند.

تعطیلات رسمی کشور در نظر گرفته شود و هرگز متن آموزشی برای یک ثلث به سه قسمت و برای یک نیمه به چهار قسمت تقسیم نشود، بلکه با رجوع به تقویم، این زمان بندی صورت گیرد. باید سال را با اجزای کوچک تر مثل ماه و هفته و روز تقسیم کرد و محتوای آموزشی را در این قالبهای زمانی ریخت. همواره و در هر سال باید بین هدف و سایر فعالیت های آموزشی هماهنگی لازم وجود داشته باشد.

۴-۱ - برنامه درسی روزانه

علاوه بر طرح درس سالانه، که کلیات متن آموزشی یا در نظر گرفتن تقویم آموزشی است، هنرآموز باید طرح مدون و سنجیده ای برای هر جلسه نوشته باشد. به عبارت دیگر، در این طرح درس، کلیات مطالبی که در یک روز درسی مورد تدریس قرار می گیرد، نوشته می شود و جزئیات و مثال ها و نکات ضروری به صورت رمزی و بسیار خلاصه در گوشه ای از این طرح نگاشته می شود تا در سالهای بعد مورد استفاده قرار گیرد. بدیهی است که در نخستین سال های تدریس به خاطر سپردن مطالب برای هنرآموز به راحتی میسر نیست و طرح درس روزانه، یاریگر او در به یاد آوردن مطالب و تقدم و تأخر منطقی آنها خواهد بود. طرح درس موجب جلب اعتماد هنرجو می شود و او به این وسیله می فهمد که هنرآموز برای تدریس وقت می گذارد و نظم و اعتدال رفتاری هنرآموز در کلام، مرهون همین طرح درس روزانه است. طبق استاندارد تعلیم و تربیت، اجزای طرح درس روزانه عبارت اند از:

۱- تعیین هدف درس جدید، هنرآموز باید با استفاده از اصول و فنون طبقه بندی هدف ها، که پیش از این به اختصار بیان کردیم، اهداف جدید درس مورد نظر را مشخص کند.
۲- تعیین رفتار ورودی، هنرآموز باید آموخته ها و توانایی های هنرجویان را قبل از شروع درس جدید بسنجد تا به تناسب آموخته های پیشین آنها طرح درس جدید را اجرا نماید.

۳- تهیه آزمون رفتار ورودی، هنرآموز با طرح پرسش هایی که مبتنی بر توانایی ها و مهارت های قبلی و پیش دانسته های هنرجویان است، می تواند به آگاهی های هنرجو پی ببرد. بنابراین سوالات باید از قبل تعیین شده باشد تا در مدت کوتاهی به نتیجه برسد.

۴- تعیین مراحل و روش های تدریس، این مراحل می تواند به صورت ذهنی مورد توجه قرار گیرد و یا روی کاغذی که تحت عنوان «طرح درس» معین شده، یادداشت شود. این مراحل فهرست وار عبارت اند از:

الف) حضور و غیاب هنرجویان، اطمینان از سلامت روانی و جسمی آنان

ب) آماده سازی و ایجاد انگیزه برای هنرجویان که باید از قبل نحوه انگیزش مشخص شده باشد، مطالب با جزئیات و یا مطالب اصلی با فرعی

ج) ارائه درس جدید بر اساس هدف هایی که قبلا تعیین شده است و توجه به نبودن تداخل کلیات

د) فعالیت های تکمیلی که پس از ارائه درس جدید با جمع بندی و یا ارائه خلاصه درس و یا درخواست تکرار مطالب از سوی هنرجویان، تدریس را به کمال برساند و با در نظر

گرفتن تمرین و یا تحقیق برای آنها روند یادگیری را سرعت بخشد. کلیه این موارد باید در طرح درس مشخص باشد

ه) انتخاب وسایل کمک آموزشی به تناسب موضوع مورد بحث و امکانات موسسه آموزشی و یا مسائل اقتصادی و جانبی تهیه گردد.

۵-۱- مهارت‌های هنرآموز در کلاس

بنابر مطالب پیش گفته، طراحی آموزشی و تحلیل موارد سه گانه (محتوا، ابزار و روش) از جمله مهارت های پیش از تدریس است. پس از موارد مذکور، به مهارت های ضمن تدریس می پردازیم که جنبه اجرایی و عملیاتی دارد و در کلاس صورت می گیرد، اما باید با مطالعه و برنامه ریزی قبلی همراه باشد.

الف) اجرای آزمون تشخیصی: رفتار ورودی عبارت است از مهارت ها و توانایی هایی که هنرجویان باید قبل از شروع درس جدید دارا باشند تا بتوانند با موفقیت به اهداف جزئی دست یابند. در این مرحله، هنرآموز باید مهارت های مذکور را مورد سنجش قرار دهد و با آزمون رفتار ورودی وجه مشترکی بین هنر جویان، که گاهی از نظر رفتار ورودی متفاوت اند بیاید.

ب) مهارت برقراری ارتباط: تدریس یک تلاش دو جانبه است و در سایه ارتباطی صحیح صورت می گیرد. ارتباط در بخش آموزش عبارت است از فرایندی که به موجب آن بین پیام دهنده (هنرآموز) و پیام گیرنده (هنرجو) به منظور انتقال پیام (ارسال و دریافت) رابطه ای برقرار می شود، ارتباط، زمانی ایجاد می شود که محتوای پیام به گیرنده منتقل شود و دریافت آن از گیرنده به فرستنده اعلام شود. بنابراین در فرایند ارتباط در آموزش با یک مثلث سرو کار داریم: فرستنده، گیرنده و پیام (همان متن آموزشی است).

ج) ایجاد تمرکز جمعی در کلاس: هنرآموز باید عوامل مخل در کلاس را که مانع تمرکز هنرجویان می شود، از بین ببرد و لازمه این کار شناخت آن عوامل است. برای مثال می توانیم به موارد محل زیر اشاره کنیم:

- نبودن تعادل در حرکت های هنرآموز و گاه استفاده نابه جا و ناموزون از دست ها.

- اشکال در صدای هنرآموز که در جادیه کلاس و ایجاد تمرکز نقش مهمی دارد.

- نداشتن تنوع در برقراری رابطه در کلاس و استفاده از رفتارها و سخنهای کلیشه ای

- استفاده نکردن از حواس دیگر هنرجویان، غیر از چشم و گوش به تناسب موضوع آموزشی

- به کار بردن تکیه کلام های آزاردهنده و با داشتن حالت هایی مثل «تیک عصبی» در فاصله ای کوتاه و با تکرار یک رفتار

د) مهارت آماده سازی: آماده سازی فعالیتی است که هنرآموز از طریق آن می کوشند ارتباط معناداری بین تجارب پیشین هنر جویان و نیازهای آنها با اهداف آموزشی ایجاد کند، برقراری انضباط در کلاس نیز در این بخش مطرح می شود که با رفع علل بی انضباطی می توان آن را ایجاد کرد، چه عواملی که ناشی از رفتار هنرآموز است و چه مواردی که مربوط به هنرجویان است.

ه) مهارت ارائه درس جدید: با استفاده از روشی مناسب و بهره گیری از طرح درسی که پیش از کلاس نگاشته شده است و با خلاقیت های خاص و گاه منحصر به فرد برخی از هنرآموزان این مرحله به خوبی صورت می گیرد.

و) مهارت جمع بندی: هنرآموز در پایان کلاس برای رساندن هنرجویان به نتیجه مناسب و ایجاد ارتباط بین مباحث جدید و مطالب قبلی و رابطه درس جدید با مباحث بعدی، به جمع بندی مطالب (به صورت خلاصه) می پردازد. البته ممکن است هنرآموز از هنرجو بخواهد که این جمع بندی را انجام دهد و خود به رفع نواقص او بپردازد.

ز) مهارت در تکمیل یادگیری: معلم برای کامل کردن فرایند یادگیری می تواند روشی مناسب با موضوع مورد نظر و سطح مخاطبان انتخاب کند تا به این مقصود برسد. مثلا با ارائه خلاصه درس به هنرجویان، تعیین تکلیف شب، طرح مسئله و درخواست حل آن در کلاس با در منزل، تعیین تحقیق کلاسی، تعیین واحد کار ۳ (پروژه) ارزشیابی به میزان یادگیری آنها بیفزاید و فعالیت آموزشی خویش را کامل کند.

برخی از فعالیت های تکمیلی تجربه شده عبارت اند از:

- تعیین امتیاز برای ارائه بهترین جزوه های برگرفته از درس و یا خلاصه نویسی های تمیز و دقیق

- طرح یک سوال و درخواست از هنرجویان برای مطرح کردن آن در خانواده و جمع آوری پاسخ ها.

- طرح سوالات مربوط به درس و - درخواست از دو هنرجو که یکی به طرح سوال مشابه بپردازد و دیگری آن را پاسخ دهد. این گونه است که فضای آزاد علمی (البته با کنترل کلاس از سوی هنرآموز) فراهم می گردد و به دلیل حضور فعال هنرجویان در بحث، مقاومت روانی در برابر موضوعات و پاسخ ها نشان داده نمی شود.

مراحل حین تدریس:

نکات مفید: کاربرد، با توجه به رشته تحصیلی: معرفی رشته های مختلف هنرهای تجسمی (ارائه مطالب | راهنما در این مورد)، نقش هنرهای تجسمی، چگونگی کاربرد مابانی در رشته های مختلف هنری

ایجاد انگیزه:

استفاده از محیط داخلی یا حیاط آموزشگاه جهت آموزش موشکافانه دیدن: ۶ در صورت امکان نشان دادن آثاری مرتبط با موضوع توصیه ها: در آموزش انرژی بصری کادر مفاهیمی مانند فضا، فضای بیرونی و درونی و تأثیر گذاری فضا بر کادر، مورد بحث قرار می گیرد. به دلیل اهمیت موضوع در هنر، به ویژه هنرهای تجسمی، نمونه آثار تصویری مربوط به رشته های مختلف در معرض دید و و گفت و گوی هنرجویان قرار گیرد.

راهنمای تدریس:

ابتدا معنی کلمه هنرهای تجسمی توضیح داده میشود. تشبیه الفبای بصری در دنیای هنر به الفبای فارسی در ادبیات و لزوم شناخت و ادراک اصول و قواعد بصری و تشبیه آن به اصول و قواعد نگارش در ادبیات. سپس هنرهای تجسمی و رشته های آن معرفی می گردد. از جمله خصوصیات هنرهای تجسمی وابستگی آنها به دیده شدن و تمام یا بخشی از آنها مورد تأکید قرار می گیرد. معرفی ابزار و طرز استفاده صحیح از آنها مقایسه هنرهای تجسمی با هنرهای دیگر، مانند هنرهای دراماتیک و سینما و نمایش، موسیقی و رقص. همچنین زبان گفتاری و نوشتاری مورد مقایسه قرار می گیرد و به لزوم وجود قوانین خاص برای ساماندهی و درک هر یک از آنها اشاره می شود. نیز عناصر بصری به نشانه الفبای زبان تجسمی و کیفیت های بصری به مثابه عوامل استحکام بخش به عناصر و نیروهای بصری معرفی می شود.

خلاقیت‌های حین تدریس:

۱- بازی خوب دیدن در کلاس از طریق جابه جایی اشیاء در غیاب یک هنرجو

۲- نمایش چند تصویر و ایجاد انگیزه برای تمرین حافظه بصری

راهنمای تدریس (خلاصه درس):

در بیان مباحث ترکیب بندی، تعادل، توازن و تناسب یادآوری و ذکر مباحث گفته شده از قبل، قابل توجه است. ضمناً به مباحث ناگفته در این زمینه ها اکتفا شود. مطالبی را که در این بین می توان به آنها توجه و اشاره نمود، عبارت اند از:

توجه به چگونگی ترکیب کردن عناصر و اصول و قواعد آنها در یک اثر موفق، وحدت اجزا با یکدیگر، تأثیر زمینه و کادر بر معنای عناصر و کیفیات، تأثیر فضای مثبت و منفی بر یک ترکیب بندی موفق، تأثیر گذاری و انتخاب نوع کادر بر ترکیب بندی، تأثیر وجود تعادل بصری بر اثر موفق، تأثیر تناسب و هماهنگی عناصر بر ترکیب موفق، تأثیر زیرساخت‌های هندسی بر آثار هنرمندان بزرگ، ترکیب بندی قرینه با | محورهای افقی، عمودی، مورب، ترکیب بندی غیر قرینه براساس ارزش و انرژی های بصری، تناسب و رابطه هماهنگ میان اجزاء تأثیر تعادل و بی تعادلی بر اثر تأثیر تبریگی و روشنی، رنگ، اندازه، محل قرار گرفتن عناصر بر یک اثر متعادل، تعادل متقارن، تعادل غیر متقارن، تأثیر میزان / تیرگی و روشنی، بزرگی و کوچکی و فاصله در به وجود آمدن توازن در یک اثر. هنرآموزان محترم پس از گفتمان مطالب فوق که هنرجویان عملاً آنها را در ترکیب بندیهای آثار خود به کار گرفته اند، مبحث تناسب طلایی را به همراه نمونه ها و فرمول های ارائه شده در کتاب مورد بحث و بررسی قرار دهند. محورهای مورد بحث پیرامون این مطلب عبارت اند از:

تشخیص تناسب میان اجزا و عناصر یک اثر، تناسب میان اندازه ها و رنگ ها، تناسب و تقسیمات طلایی، تقسیم پاره خط و مستطیل با استفاده از نسبت‌های طلایی جهت رسیدن به تناسب بصری زیبا و نسبت منطقی و دستیابی به کادر طلایی.

خلاقیت‌های حین تدریس: استفاده از رسانه های تصویری (معماری یونان باستان - آناتومی بدن انسان و نسبت‌های آن - معماری ایرانی تخت جمشید، میدان نقش جهان، رواقها، جایگاه سنگ آب در مساجد و...).

ارزیابی درک مفاهیم: هنر جویان با راهنمایی هنرآموز از طریق توصیف و تفسیر آثار خود و هم کلاسی ها میزان مفاهیم درک شده خود را ارزیابی و بررسی کنند.

آموزه ۱۲: توصیه ها

استفاده از تکنیک های مختلف با ابعاد متنوع در ایجاد انواع فضا سازی ها، هنرجویان را تشویق و ترغیب می نماید. استفاده خلاقانه از انواع فضا سازی ها تا بهره بردن از فن کلاز و عکاسی در ارائه و خلق آثار هنری هنرجویان را بیشتر و بهتر با این مبحث آشنا می سازد. آنچه در این مبحث از اهمیت بیشتری برخوردار است، بررسی و تحلیل آثار هنرمندان بزرگ و ارزیابی فضاهاست. مفهوم فضا در رشته های مختلف هنری با ارائه فیلم و تصاویر برای مثال، در معماری فضاهای معماری داخلی و خارجی، فضاهای مدرن و کلاسیک و فضاهای سنتی ایرانی... نمایش داده شود.

در جلسه آخر (نیم سال اول) وسایل مورد نیاز جهت بخش دوم کتاب به هنرجویان توصیه شود.

آموزه ۱۳: توصیه ها

گفت و گو درباره هنرهای نوری جدید (light Art) که با ترکیبات نوری اشکال مجازی ایجاد می کنند. گفت و گو درباره ویدئو آرت، با استفاده از فیزیک نور و رنگ در کنار چیدمان و عکاسی و... توصیه می شود با توجه به توانایی اقتصادی و امکانات محیطی هنرجویان وسایل و لوازم این بخش توسط آنان تهیه شود. چنانچه با هنرجویان جهت تهیه وسایل در آخر نیم سال اول هماهنگی لازم به عمل آمده است، در این جلسه می توان طرز صحیح رنگ کردن روی انواع مقواها را با انواع قلم مو، از نظر غلظت و رفت رنگ، به هنرجویان یاد داد تا تمرینهای لازم را انجام دهند. در غیر این صورت مطلب فوق در جلسه بعد تمرین شود.

آموزه ۱۷: توصیه ها :

* در نمایش مفهوم رنگ های درجه سوم و مکمل می توان هنرجویان را در انتخاب فرم، اندازه خانه های شطرنجی و نوع ارائه تمرین ها آزاد گذاشت. * بهتر است در این جلسه هنرجویان جرخه رنگ را اجرا نمایند.

* توصیه می شود که هنرجویان با رنگ های اضافه بالت، با استفاده از انگشت خود آثار فی البداهه * هنرجویان رشته صنایع دستی را به ترکیب و به دست آوردن رنگ های سنتی آکر، فیروزه ای، خلق کنند. لاجوردی و... تشویق و ترغیب کنیم.

آموزه ۱۹ توصیه ها:

هنرجویان، پس از دیدن آموزش کنتراست تیرگی و روشنی، بهتر است با کمک هنر آموز یک اجرای کار آزاد و خلاق، به صورت گروهی یا فردی، داشته باشند. باید اندازه و قطع آثار هنرجویان، کوچک باشد تا در کلاس به نتیجه برسد (اثر نیمه کاره نماند). هنرجویان با رنگ های اضافی پالت، با انگشت یا هر وسیله دیگر فی البداهه اثر ذهنی زیبایی ایجاد نمایند.

* هنرجویان را تشویق به مشاهده و اجرای انواع خاکستری ها کنید (سیاه و سفید).

* هنرجویان برای ارائه این مبحث می توانند از مقوای سیاه و سفید و خاکستری های آن برای خلق یک اثر هنری بهره ببرند (آزاد).

* بهره بردن از آثار « رامبراند » و نقاشی های شرق دور و بررسی آنها.

آموزه ۲۱ :

در آموزش این مبحث، پس از تدریس هنرآموز، می توان یک اجرای آزاد و خلاقانه - فردی یا گروهی - داشت. را در این مبحث جای داد. به همراه آورده استفاده نمایند همچنین، می توان با بهره بردن از ترکیب بندی های بخش اول کتاب، رنگ های مکمل و خاکستری های آنها در مبحث کنتراست، همزمان هنرجویان می توانند از برش کاغذهای رنگی به ابعاد ۱۰ × ۱۰ با از اشبای رنگی - چون مبحث رنگ های مکمل در دروس قبل آمده است. این مبحث آشنایی دارند بنابراین می توان کنتراست همزمان و تصویر جانشین را در این جلسه توضیح داد قبل از این جلسه، به آوردن وسایل پیشنهادی این درس تأکید شده باشد. وسایل با رنگ قرمز مشخص شده اند.

حتی الامکان اندازه و قطع کارها کوچک در نظر گرفته شود تا هنرجویان زودتر به نتیجه برسند. این بخش از کتاب را می توان با تکنیک آزاد و دلخواه، مانند خو روان نویس، مداد رنگی و پاستل اجرا نمود (از قبل وسایل مورد نیاز را به هنرجویان یادآوری کنید).

پژوهش در زمینه تأثیر روانی رنگ ها و فرم و شکل بیش از دو تا سه صفحه نباشد تا بهتر و سریع تر بر دانش در ارائه هارمونی رنگ می توان هنرجویان را کاملاً آزاد گذاشت. مثلاً نمایش یک تسییح با مهره های رنگ هنرجویان افزوده شود. سرد یا گرم با هارمونی های دیگر.

اصطلاحات:

فوویسم (fauvism):

گروهی از نقاشان فرانسوی به پیش گامی هانری ماتیس با علاقه به رنگ خالص یا به عبارت درست تر، « شیوه نقاشی گروه موسوم به وحشی ها » که با رنگ های تند - که گاه مستقیماً از چند رنگ بر روی بوم قرار می گرفت و شکل های مسطح و کج و معوج مشخص می شد. از جمله هنرمندان برجسته گروه می توان از آندره درن، موریس ولامینک و رائول دوفی نام برد.

هنرهای زیبا (fine arts):

هنرهایی که بیشتر به خواست ها و پسندهای خود هنرمند تکیه می کنند و در آنها هدف تجارتي در کار نیست. این اصطلاح بیانگر ارزش کیفی هنرهای مذکور نیست.

فوتوریسم (futurism):

منشأ ایتالیایی دارد. در ستایش ادوات ماشینی، سرعت و خشونت آغاز شد و از جهت فنی بر نظر گاه نتو امپرسیونیستی در باب رنگ تکیه داشت. هنرمندان برجسته آن بو جیونی، بالا، کارا و سورینی است.

منریسم (Mannerism):

شیوه هنری حوالی سالهای ۱۵۲۵-۱۶۰۰ در ایتالیا و فرانسه که با اغراق در ارائه شکل ها، رنگ ها و حالات مشخص می شد و به اعتقاد برخی، واکنشی علیه هنر اوج رنسانس بود. هنرمندان برجسته آن، ال گرکو، تینتورتو است.

طبیعی پرداززی (Naturalism):

طبیعی نمایی، طبیعت گرایی - ناتورالیسم شیوه ادبی و هنری اواسط سده نوزدهم که به ارائه و ترسیم پدیده ها، بی تعریف یا احساساتی گری، می پرداخت.

نئواکسپرسیونیست (Neoexpressionist):

نقاشی انتزاعی که از عواطف و هیجانات و همچنین نموده های تصادفی بهره می گیرد و در پی اعتنایی به برنامه ریزی برای به وجود آوردن ترکیب بندی حتی به شکل های حساب شده هندسی هم توجهی ندارد.

نو امپرسیونیسم (Neo - impressionism):

جنبش هنری در سال ۱۸۸۰ در فرانسه، به نام های دیگری چون کرومولو میناریسم، بومان تیلیسم و دیویزیونیسم نیز نامیده می شود. پیروان این جنبش در آثار خود با تکیه بر فیزیک نور، به جای ترکیب و اختلاط رنگ ها در روی صفحه رنگ آمیزی، نقاط و لکه های کوچک رنگ خالص را بر پهنه تصویر به نحوی کنار هم می گذاشتند که رنگ های بینابینی، یا گذارهای رنگی، بی آنکه عملاً وجود داشته باشد، برای ناظر تداعی می شد. هنرمندان برجسته این جنبش هنری عبارت اند از سورا و سینیاک و هنرمندانی چون واتو، دوکرش، ترنر، برخی دیگر اصل فیزیکی مزبور را مورد استفاده قرار داده بودند.

نوینگری التقاطی (Post Modernism):

عنوان به کار رفته در توصیف شیوه معماری در سال ۱۹۷۰ نوینگر در آمریکا است که از براسازی آسمانخراش های لخت و بی تزیین و به صورت « قوطی کبریت های روی هم چیده درآمده » اجتناب جستند و به گزینش عناصری تزیینی و تنوع بخشی از کلاسیک گری های تاریخی روی آوردند.

هنر رنسانس (Renaissance):

هنر دوران نوزایی، هنر اروپای غربی در سده های ۱۵، ۱۴ و ۱۶ میلادی که با احیای الگوهای هنر کلاسیک و توجه به ارزش های انسان گرایانه متمایز می شود. هنرمندان برجسته این هنر عبارت اند از : لئوناردو داوینچی، میکلا آنژ و را فائل.

سوررئالیسم (Surrealism):

نام اطلاقی به جنبشی در هنر اوایل سده بیستم میلادی که از تلفیق چهل تیکه کاری چسبی - کلاز و جنبه های ترکیبی کوبیسم و پوچ گرایی « دادا به وجود آمد. سوررئالیسم با پیش کشیدن ضمیر ناخودآگاه در پی وسعت بخشیدن مرزهای واقعیت است. و نتیجه این امر غالباً به صورت دنیایی ناشناخته، رؤیایی و یا تمثیلی راهنمای تجسم می یابد. هنرمندان برجسته اش عبارت اند از، دالی، ماگريت ارنست و میرو.

سمبولیسم (Symbolism):

گرایش ادبی و هنری در هنر اروپا، در نیمه دوم سده نوزدهم. نقاشی گوکن و گوستاو مورو دو تن از نامداران این شیوه هنری اند. رمزپردازی، نماد پردازی هنر انتزاعی، هنر تجریدی Abstract art: هنر تجسم بخشیدن به خصوصیات بنیادی و کلی اشیا و موجودات، و نادیده گرفتن عوارض ظاهری و جزئیات خاص هر یک از آنها : مثل تصویر انتزاعی درختی که هیئت کلی و خصوصیات بنیادی عموم درختان را در برداشته باشد بدون شباهت جزئیات با هیچ درخت خاص.

هنر تزئینی مختلط (Art deco):

هنری تزئینی که بعد از ۱۹۲۰ در فرانسه پا گرفت و صرفاً جنبه تجملی و خانه آرابی داشت و همه نوع مواد نفیس چون عاج و آبنوس تا مفرغ را به کار می گرفت و هر گونه تزئینات اروپایی و آفریقایی و آرتکی و چینی و مانند آنها را در هم می آمیخت.

هنر باروک (Baroque art):

عنوانی مأخوذ از واژه برتقالی barocco به معنی مروارید ناصاف برای شیوه هنری فاخر و پر تجمل که به حمایت از بازگشت قدرت کلیسا و فرمانروایان در روم پایه گذاری شد [۱۵۹۰ تا ۱۷۳۰ بعد از میلاد و با تأکید بر ایجاد تقارن و تلفیق تزئینات و خطوط خمیده و ترکیب شکوهمند عناصر و اشکال و هیاکل در همه تابیده آثاری خیره کننده در معماری و نقاشی و پیکره سازی به وجود آورد.

کلاسیک گری (Classicism):

مکتب ادبی و هنری که آغازش به تمدن یونان در قرن پنج قبل از میلاد و طی قرون بسیار مبتنی بود بر پیروی از اصول منطقی و پایدار چون قالب هنری نظم، سنت پرستی، سادگی، تعادل و اعتدال، تناسب اجزاء، بلندی مضمون و والامنشی.

حجم گری (کوبیسم) (Cubism):

شیوه هنری در اوایل قرن حاضر با الهام گرفتن از نقاشی پل سزان و پیکره سازی بومیان آفریقا اصول رسمی بازنمایی عالم خارج و ارائه مضمون و بیان احوال درون و اسلوبهای متداول ژرفانمایی و تاریک و روشن کاری و سایه زنی را در هم شکست. در این شیوه، ماده یا جسمانیت اصل شمرده می شود و هنرمند حجم اشیا و هیاکل را به سطوح و پره های هندسی، اشیا و هیاکلی قابل بازشناسی به وجود می آورد (حجمگری ترکیبی) ؛ و به بیان آخر نقاش یا پیکره ساز اشیا و اشکال را با دیدگان عقل می بیند، نه با دیدگان حس.

مکتب دادا (Dada / Dadaism):

مکتب هنری و ادبی کوتاه عمر در سال های آخری جنگ جهانی اول، که مبتنی بود بر سنت شکنی و بطلان انواع مظاهر فرهنگ و هنر زمان و ابراز نفرت و بدبینی حاصل از جنگ، با آفرینش آثاری رسوایی انگیز و ابداعاتی ضد هنری و مغایر با منطق و عقل سلیم، لیکن در عین حال مایه گرفته از تخیلی فراخ و رها از بند، مکتبی که اگر خود دچار سقط جنین شد، در عوض به زایش پرورش بسیاری آثار و تکوین پاره ای از نهضت های هنری در دهه های بعدی و خصوص شیوه و همگری (سوررئالیسم) مدد رساند.

هیجانگری، هیجان‌نمایی (Expressionism):

شیوه‌ عرضه کردن هیجان‌ات و تجربیات شخصی با بیانی شدید و پرشور رنگ‌های تند و تیره، خطوطی خشک و زمخت و کجوشی اشکال و علایم چهره که از خصوصیات این مکتب هنری در عصر حاضر به شمار می‌آید. لیکن باید متذکر بود که شیوه هیجانگری از گذشته‌های دور با هنرهای تجسمی ملازمت داشته و در دوره‌های مختلف به گونه‌هایی تجلی یافته است.



ایران عرضه

مرجع نمونه سوالات

آزمون های استخدامی

به همراه پاسخنامه تشریحی

خدمات ایران عرضه:

- ارائه اصل سوالات آزمون های استخدامی
- پاسخنامه های تشریحی سوالات
- جزوات و درسنامه های آموزشی

برای دانلود رایگان جدیدترین سوالات استخدامی دبیر فرهنگ و هنر، اینجا بزنید

برای دانلود رایگان جدیدترین سوالات استخدامی هنرآموز گرافیک، اینجا بزنید

«انتشار یا استفاده غیر تجاری از این فایل، بدون حذف لوگوی ایران عرضه مجاز می باشد»

